

اسناد تاریخی فارسی در گرجستان (سده‌های شانزدهم تا هجدهم): یک تحلیل زبان‌شناختی

هلن گیوناشویلی و تامار آبولادزه

گردانش آری سرازش، رامین اعلایی

چ

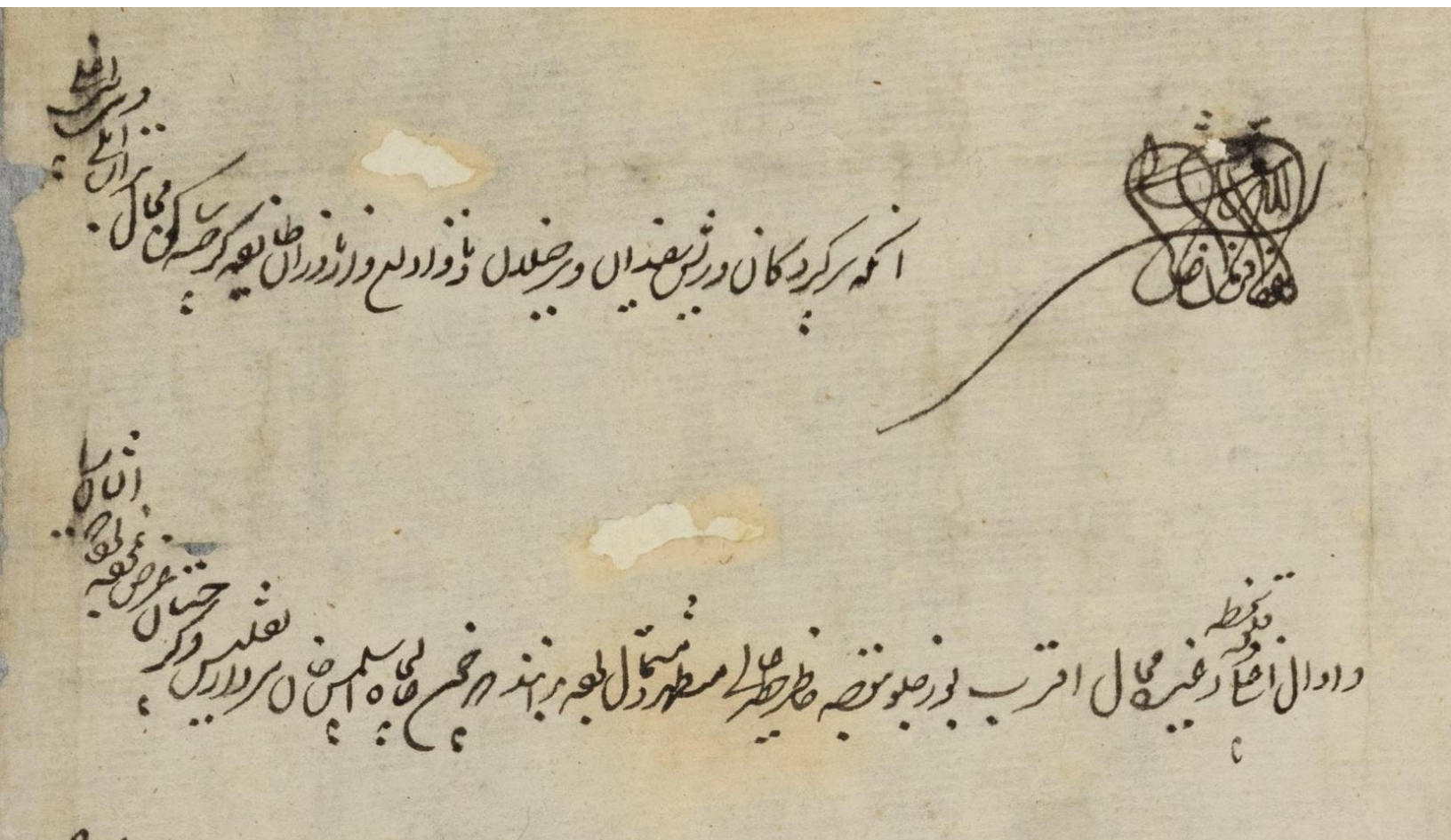
تصویر: دو سطر نخست از یکی از نامه‌های نادرشاه افشار؛ فرمان انتصاب کی خسرو بیگ به دیوان‌بینی گرجستان با دستمزد سالانه ۱۰۰

تومان، ۱۱۵۱ هجری. / ۱۷۳۸ میلادی. محفوظ در مرکز ملی نسخ کرلی ککلیدزه، تفلیس، گرجستان

° °



fold-era.com



اسناد تاریخی فارسی در گرجستان (قرون شانزدهم تا هجدهم): یک تحلیل زبان‌شناختی

هلن گیوناشویلی و تامار آبولادزه

گردانش آری سرازش، رامین اعلایی

° °

چکیده

پیوندهای ایران و گرجستان در سده‌های شانزدهم تا هجدهم را می‌توان به‌روشنی در مجموعه‌های ارزشمند اسناد فارسی موجود در آرشیوهای گرجستان مشاهده کرد. زبان، واژگان، معنا و سبک این اسناد، مسیر تحول زبان ادبی در بستر فرهنگی مشترک را آشکار می‌سازند. در این مقاله، سندی از سال ۱۶۵۸ بررسی شده است که طی آن شاه عباس دوم یک تیول به پاپونا سیتسیشویلی، عضو برجسته‌ی خاندان اشرافی کارتلی، اعطا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اسناد فارسی، گرجستان، دوره‌ی صفوی، تأثیر زبانی، تیول، ازناور



گرجستان به دلیل جایگاه جغرافیایی ویژه‌ی خود، قرن‌ها عرصه‌ی برخورد قدرت‌های بزرگ شرق و غرب بوده است. در سده‌های شانزدهم و هفدهم، پس از سقوط قسطنطنیه [کنستانتینوپل] و دگرگونی‌های اساسی در روابط میان آسیا و اروپا، این سرزمین به‌طور کامل زیر نفوذ ایران صفوی و امپراتوری عثمانی قرار گرفت. در این دوران، هر دو کشور ایران و گرجستان با واقعیت‌های تازه‌ی سیاسی و شکل‌گیری حکومت‌های جدید روبه‌رو شدند. دولت قدرتمند صفویان بر ویرانه‌های حکومت ترکمانان پدید آمد و در گرجستان نیز چند واحد سیاسی مستقل شکل گرفت: پادشاهی‌های کارتلی و کاختی در شرق، پادشاهی ایمرتین در غرب و امارت سامتسخه-ساتاباگو در جنوب. بر اساس پیمان صلح آماسیه (۱۵۵۵م)، بخش شرقی گرجستان و نواحی شرقی سامتسخه به ایران، و بخش‌های غربی و جنوبی آن به عثمانیان واگذار شد.

بازتاب روابط ایران و گرجستان در این دوره را می‌توان در اسنادی به زبان فارسی و فارسی-گرجی مشاهده کرد. مرکز ملی نسخ خطی گرجستان و آرشیو ملی وزارت دادگستری مجموعه‌های گسترده‌ای از این اسناد را نگهداری می‌کنند؛ مجموعه‌هایی که تصویری روشن از وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شرق گرجستان ارائه می‌دهند و در عین حال نشان می‌دهند که گرجیان در دل این تحولات، کوشیده‌اند هویت و نظام زمین‌داری خود را حفظ کنند. این اسناد، افزون بر این، گوشه‌هایی از روابط فرهنگی و زبانی ایران و گرجستان را نیز نمایان می‌سازند.

این مجموعه‌ها شامل ۵۱۱ سند در مرکز ملی نسخ خطی، ۱۲۳۷ سند در آرشیو ملی وزارت دادگستری و ۴ سند در موزه‌ی هنر ش. امیراناشویلی هستند. این اسناد از بایگانی‌های اداری قفقاز و همچنین از طریق خریدهای خصوصی گردآوری شده‌اند. بخش عمده‌ی اسناد مرکز ملی نسخ خطی از موزه‌ی تاریخ و مردم‌شناسی به دست آمده است.

محتوای این اسناد متنوع است: فرمان‌ها و احکام فارسی، دفاتر واگذاری و خرید زمین، و نامه‌های دادخواهی خطاب به شاهان ایران یا حاکمان گرجی مسلمان‌شده همراه با پاسخ‌های آنان. همچنین، سندهای گوناگونی درباره‌ی دادوستدهای بازرگانی، قراردادهای رسیدهای تجاری و مالیاتی و حتی قراردادهای ازدواج در میان آنها دیده می‌شود. این مجموعه نه تنها به گرجستان، بلکه به بخش‌های دیگری از قفقاز نیز مربوط می‌شود و خطاب به مالکان زمین گرجی، رهبران مذهبی، ملک‌های ارمنی و حاکمان داغستان صادر شده است. از این رو، این اسناد منبعی غنی برای شناخت روابط تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان گرجستان و فئودالی متأخر و ایران صفوی به شمار می‌روند.

افزون بر این، اسناد مزین‌شده‌ی موجود، جایگاهی ویژه در تاریخ هنر دارند؛ چراکه نقوش و ترسیمات ظریف آنها بازتابی از سنت‌های هنری دست‌نوشته‌های همان دوران است.

درباره‌ی اسناد تاریخی فارسی نگهداری‌شده در آرشیوهای گرجستان پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. بسیاری از فرمان‌ها و احکام موجود در مرکز ملی نسخ خطی و آرشیو ملی وزارت دادگستری گرجستان به همت پژوهشگرانی چون م. خوبوآ، و. پوتوریدزه، م. تودوا و ن. دوندوا منتشر شده‌اند. با این حال، هنوز بیش از هشتاد سند ناشناخته باقی مانده است. هرچند برخی موضوع‌ها به صورت جداگانه بررسی شده‌اند، نیاز به پژوهش‌های عمیق‌تر و میان‌رشته‌ای همچنان احساس می‌شود تا چشم‌اندازی گسترده‌تر از این روابط ترسیم گردد و ابعاد مهم ارتباطات ایران و گرجستان روشن‌تر شود.

در این پژوهش تمرکز ما بر جنبه‌های زبانی و ساختاری اسناد است؛ بخش‌هایی که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. پیش‌تر، پژوهشگران گرجی همچون م. خوبوآ، و. پوتوریدزه، ای. دولیدزه، ن. بردزنی‌شویلی، آ. وازه‌شویلی، و. گاباشویلی، د. کاتسیتادزه، ک. کوتسیا، م. تودوا و ت. آباشیدزه بیشتر این اسناد را از منظر اداری و مالکیت زمین بررسی کرده‌اند. با این حال، این اسناد ظرفیت تحلیلی بسیار گسترده‌تری دارند و به پژوهشی نظام‌مندتر و دقیق‌تر نیازمندند. ما در این مقاله یکی از اسناد سده‌ی هفدهم را بررسی می‌کنیم که مربوط به شاه عباس دوم (۱۶۴۲-۱۶۶۶) و واخانگ پنجم، معروف به شاه‌نواز (۱۶۵۸-۱۶۷۶)، فرزندخوانده و جانشین رستم‌خان، حاکم کارتلی، است.

این دوره یکی از پرچالش‌ترین و در عین حال مهم‌ترین مقاطع تاریخی و فرهنگی گرجستان به‌شمار می‌رود. «جنبش نوزایی گرجی» که از قرن شانزدهم و پس از سلطه‌ی مغول آغاز شد، بیش از هر چیز بر روحیه‌ی ملی و میهن‌دوستانه استوار بود. اسناد فارسی و فارسی-گرجی این زمان، هرچند در بُعد سیاسی بار ضدگرجی داشتند، اما بخشی جدانشدنی از همین نوزایی فرهنگی‌اند؛ زیرا نشان می‌دهند مقامات گرجی برای حفظ تملک‌شان بر زمین‌ها و کسب میزانی از استقلال کوشش کرده‌اند.

یکی از مهم‌ترین اسناد، با شماره‌ی Pd ۷، در مرکز ملی نسخ خطی گرجستان نگهداری می‌شود. این سند در سال ۱۶۵۸ به فرمان شاه عباس دوم صادر شد و تأیید تیول پاپونا سیتسیشویلی، از خاندان اشرافی و بانفوذ کارتلی، را دربردارد. پیش‌تر، در سال ۱۶۳۲، شاه صفی همین تیول را به برادر او، کیخسرو، بخشیده بود. اما شاه عباس دوم فرمان داد شاه‌نواز بار دیگر مالکیت این زمین را برای خانواده تأیید کند. در پایان سند، مهر فارسی شاه‌نواز دیده می‌شود که نشانه‌ی تأیید دوباره است. همچنین سند با امضای اعتمادالدوله، وزیر اعظم، اعتبار یافته و در صفحه‌ی دیگر، دو مهر ثبت رسمی نیز افزوده شده است.

این سند با تذهیب‌های طلایی بسیار ظریف و چشمگیر آراسته شده است. متن آن با آب طلا و مرکب سیاه و سرخ نگاشته شده و مهری که نام شاه عباس دوم و دوازده امام بر آن حک شده، درون مدالیونی مزین به نقوش زرین و خطوط مشکی قرار دارد.

سند، در مقام منشور واگذاری زمین، سه سطح از رابطه‌ی ارباب و تابع را نشان می‌دهد: شاه به عنوان فرمانروا دستور می‌دهد، والی کارتلی به عنوان تابع آن را اجرا می‌کند، و در نهایت تیول به اشراف واگذار می‌شود. متن نیز همچون دیگر اسناد دیپلماتیک و اداری قرون وسطی، از بخش‌های ثابت و موضوعی تشکیل شده است.

در اصل، سند مورد نظر تأیید رسمی اعطای یک ملک فتودالی (مامولی) است. در اسناد فارسی، واژه‌ی گرجی مامولی معمولاً با اصطلاح ترکی-فارسی تیول جایگزین شده است. تیول در ایران نوعی مالکیت بود که طی آن شاه یا حاکمان محلی زمین را به مأموران نظامی یا اداری واگذار می‌کردند تا در برابر خدمات خود، از روستاییان مالیات دریافت کنند. برخلاف مامولی گرجی که به صورت موروثی منتقل می‌شد، تیول چنین ویژگی‌ای نداشت. با این حال، در بستر گرجستان، تیول به تدریج معنای «ملک» یا همان مامولی را پیدا کرد. این امر نشان می‌دهد که نهادهای قزلباش خود را با ساختار فتودالی گرجستان سازگار کرده بودند؛ سازگاری‌ای که ریشه در نظم اجتماعی و اقتصادی آن دوران داشت (گاباشویلی، ص. ۷۱؛ پوتوریدزه، ج. ۱، ص. ۸۹).

بررسی زبان‌شناختی اسناد تاریخی فارسی از این نظر اهمیت دارد که در آن‌ها نمونه‌هایی از «تداخل واژگانی» در اصطلاحات اجتماعی دیده می‌شود؛ پدیده‌ای که حاصل نزدیکی جغرافیایی و روابط سیاسی-فرهنگی ایران و گرجستان بوده است.

در سند مورد بحث، نمونه‌ی روشنی از این تأثیر مشاهده می‌شود: واژه‌ی ازناور که از گرجی ازنآوری (اشراف‌زاده) وارد فارسی شده است. این واژه در فارسی معنایی چون «شجاع یا دل‌آور» و «پهلوان» یافته (انوری، ج. ۱، ص. ۳۴۸)، اما در نوشته‌های اسکندریگ منشی (۱۵۶۰-۱۶۳۳) آشکارا معنایی اجتماعی دارد؛ آنجا که می‌نویسد: «عظما و ازناوران در قلعه‌ها متحصن شده بودند»؛ که در اینجا ازناور به معنای اشراف و بزرگان به کار رفته است.

اصطلاح گرجی ازنآوری در منابع کهن گرجی نیز به چشم می‌خورد. نخستین بار در سده‌ی پنجم میلادی، در اثر هاجیوگرافیک کشیش یعقوب تسورتاولی با عنوان شهادت شوشانیک مقدس آمده است. بر اساس این روایت، در اواخر همان سده، کارتلی زیر فرمان وارسکن پیتیاخس بود؛ او همسر شوشانیک، دختر فرمانده‌ی ارمنیان واردان مامیکوتیان، بود. وارسکن به دلایل سیاسی به دین زرتشتی گروید، اما شوشانیک مخالفت کرد و جان باخت. این متن تصویری روشن از اوضاع واقعی کارتلی به دست می‌دهد و سرشار از اصطلاحات اجتماعی است (مانند ازات و زیور (که در میان آن‌ها ازنآوری به معنای «آزاد» و نماینده‌ی طبقه‌ی بالای اجتماعی به کار رفته است؛ معنایی که با واژه‌ی پهلوی آزات/آزاتاک هم‌ریشه است).

متون گرجی نشان می‌دهند که در همان دوران میان ازناورها (اشراف‌زادگان) طبقات مختلفی وجود داشته است. در این میان، گروهی ممتازتر با عنوان «ازناوران بزرگ» شناخته می‌شد. برای نمونه در یک روایت آمده است: «و چون به مرزهای گرجستان، سرزمین هرته، رسید، تصمیم گرفت اشراف (ازنورنی) و پسرانش را فراخواند»؛ و در جایی دیگر: «بزرگان و بانوان اشراف، نجیب‌زادگان و مردم عادی حاضر شدند» (تسورتاولی، ۱۹۳۸، ص. ۵، ۴۲؛ ترجمه‌ی لنگ، ص. ۴۶، ۵۶).

واژه‌ی ازنآوری بعدها نیز در متون دینی و تاریخی کهن گرجی تکرار شده است. این واژه در دوره‌ی ساسانی از فارسی میانه‌ی زرتشتی ازنآور āznāwar به معنای «نجیب‌زاده» وارد زبان گرجی شد. (Mackenzie, ۱۶)

پژوهشگران گرجی بر این باورند که ازناور و همتای ارمنی آن ازنو به معنای «نجیب و شریف» (و نیز واژه‌ی ارمنی ازن به معنای «خویشاوند، قبیله، نسل») از ریشه‌ی ایرانی «آزنا» ā-znā گرفته شده است؛ که در آن «آ» -ā پیشوند و znā- به معنای «شناختن» است (Andronikashvili, I, ۱۶۸، ۳-۴، Chkheidze, ۱۱-۲۱۸). به نظر آنها، معنای اصلی این واژه «نامدار، ممتاز و شریف» بوده است؛ مشابه واژه‌ی روسی znatnyi یا znat' به معنای «اشرافی و نامدار» (Fasmer, II, ۱۰۰).

ه. و. بیلی بر این باور بود که شکل‌های گرجی و ارمنی این واژه از ریشه‌ی ایرانی آزنابره āznābara به معنای «دارنده‌ی نجابت» گرفته شده‌اند؛ ریشه‌ای که با فعل ایرانی zan-/zn- به معنای «زاده شدن» پیوند دارد. نمونه‌هایی از این ریشه در زبان‌های کهن نیز دیده می‌شود، از جمله واژه‌ی ختنی āysna- به معنای «زاده‌شده در خاندان بزرگ، نجیب» و واژه‌ی اوستایی آسنا āsna. بیلی یادآور می‌شود: «در زبان گرجی واژه‌ی āznāvar به واژه‌ی مهم برای اشاره به طبقه‌ی ازناور تبدیل شد و سپس از گرجی به اوستی و سوانی (aznavir) و ارمنی (aznavor) راه یافت (Bailey, ۱۷). برای مقایسه می‌توان به نام مردانه‌ی Aznag در زبان سوانی اشاره کرد که از واژه‌ی سکایی aznāka به معنای «بیگانه» گرفته شده است؛ واژه‌ای که در اوستی به

صورت æznag و به معنای «دشمن، غریبه، مهمان» نیز به کار رفته است (Abaev, I, ۲۲۷; ۳۷, ۱۹۸۰, Andronikashvili). در فارسی نو این اصطلاح از میان رفته و تنها در مواردی محدود به عنوان واژه‌ای وام‌گرفته از گرجی ظاهر می‌شود.

در فارسی امروز، واژه‌هایی چون رعیت به معنای «دهقان» و والی به معنای «حاکم» رایج‌اند. در ایران سده‌ی هفدهم چهار والی وجود داشت: والی عربستان، لرستان، گرجستان و کردستان. شرق گرجستان - شامل کارتلی، کاختی و تفلیس - به عنوان یک ولایت زیر نظر ایران اداره می‌شد. همین واژه‌ی والی در اسناد گرجی و گرجی-فارسی نیز با همان معنا به کار رفته است. افزون بر آن، متون گرجی اصطلاحات اجتماعی-اداری دیگری نیز دارند، از جمله: باتیل-ی (از باطل (به معنای «لغوشده»)، باراً از بهره (به معنای نوعی مالیات)، گُردزاکال-ی از ارمنی گُرجاکال (به معنای «کارگزار یا مأمور»)، و دامغا از ترکی تمغا (به معنای «مهر یا مالیات بازرگانی»).^۱ در اسناد فارسی نیز نمونه‌هایی از این وام‌واژه‌ها دیده می‌شود: ماماساخلی (از گرجی ماماساخلیس-ی، «رئیس خانواده»)، (تاواد) (از گرجی تاواد-ی، «اشراف‌زاده») و موراو/ماوراو (از گرجی موراو-ی، «حاکم»)

سند فارسی مورد بحث از نظر سبک، اصطلاحات و واژگان دقیقاً با فرمان‌های رسمی فارسی هم‌خوانی دارد. متن با دعا یا نیایش یا نماز بردن آغاز می‌شود، سپس به نام نیاکان و قاعده‌ی افتتاحیه‌ی «فرمان درخشان صادر شد...» می‌رسد. در ادامه، با لحنی رسمی و در عین حال ادیبانه، از پاپونا سیتسیشویلی و خاندان او یاد می‌شود؛ خاندانی که تیول مورد نظر به آن‌ها تعلق داشت.

در این سند، رستم خان و صفی خان با لقب‌هایی که در سنت دیپلماسی فارسی رواج داشت ستوده شده‌اند. در پایان نیز از شاه‌نواز خواسته می‌شود که بر پایه‌ی فرمان شاه، مالکیت تیول خانوادگی پاپونا سیتسیشویلی را تأیید کند. واختانگ پنجم شاه‌نواز با عنوان‌هایی چون «پشتیبان خان‌های بزرگ»، «والی گرجستان خوشبخت و سعادتمند» و «آراسته به شجاعت و هنر فرمانروایی» معرفی شده است؛ او خود نیز فرمان‌هایی صادر می‌کرد.

سند فارسی Pd ۷ نمونه‌ای روشن از اسناد حقوقی آن دوره است؛ چه از نظر ساختار و چه از منظر زبان. هدف حقوقی سند، ویژگی‌های زبانی زمان و شرایط سیاسی-فرهنگی مشخص آن عصر، همگی در شکل و محتوای آن بازتاب یافته‌اند.

منابع:

- Abaev, V.I. *Istoriko-etimologicheskii slovar' osetinskogo yazyka* (Historical-etymological dictionary of the Ossetian language), vol. I. Moscow, 1958.
- Abashidze, T. "Orenovani sabutebis sparsuli nadcilebis diplomatikuri taviseburebani" (Diplomatic peculiarities of the Persian parts of the bilingual documents). *Macne II*, Tbilisi, 1974, pp. 63-81.
- Andronikashvili, M.K. *Narkvevebi iranul-qartuli enobrivi urtiertobidan* (Essays on Iranian-Georgian linguistic relations), vol. I. Tbilisi, 1966.
- Andronikashvili, M.K. "Onomasticheskie elementy grecheskikh nadpisei severnogo prichernomorya v kartvelyskikh yazykakh" (Onomastic elements of inscriptions in the Kartvelian languages from the Greek coast of the Black Sea). In R. Gordeziani and A. Urushadze (eds.), *Caucasica-Mediterranea, Kavkaz i Sredizemnomorye*. Tbilisi, 1980, pp. 37-41.
- Anvari, H. et al. *Farhang-e bozorg-e Sokhan*, 8 vols. Tehran, 2002.
- Bailey, H.W. "Arya II." *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 23.1 (1960), pp. 13-39.

^۱ برای مطالعه‌ی بیشتر بنگرید به این جستار از نیکولو ماناسرو پژوهشگر تمغاها، که اصل ریشه‌ی این واژه را از آلانی «دَمی‌غوته»، و برآمده از فرهنگ کوچندگان ایرانی باستان می‌داند؛ <https://fold-era.com/posts/manassero-tamga>

- Berdzenishvili, N. Dokumentebi sakartvelos socialuri istoriida (Documents from the social history of Georgia), vol. I. Tbilisi, 1940.
- Chkheidze, T.D. "Zametka ob irano-gruzinskikh otnosheniyakh" (Notes on Iranian-Georgian relations). Iran and the Caucasus 3-4 (1999-2000), pp. 167-70.
- Dundua, N. Kartul-sparsuli (orenovani) istoriuli sabutebi (XVI-XVIII ss.) (Georgian-Persian [bilingual] historical documents, 16th-18th centuries). Tbilisi, 1984.
- Dundua, N. Agmosavlet saqartvelos mefeebis, batonishvilebis da khanebis mier gacemuli sparsuli sigelebi (Persian deeds, issued by kings, princes and khans of East Georgia). Tbilisi, 2010.
- Fasmer, M. Etimologicheskiy slovar' russkogo yazyka (Etymological dictionary of the Russian language), vol. II. Moscow, 1967.
- Gabashvili, V. Kartuli feodaluri tcqobileba XVI-XVII saukuneebshi (shedarebiti shescavlis cda) (Georgian feudal order in the 16th-17th centuries: An essay in comparative studies). Tbilisi, 1958.
- Javakhishvili, I. Kartuli samartlis istoria (History of Georgian law), vol. I. Tbilisi, 1928.
- Katsitadze, D. "XVII-XVIII saukuneta kartuli dokumenturi tcqaroebi iran-sakartvelos savachroekonomikuri urtiertobebis shesaxe (zogadi mimokhilva)" (17th-18th century Georgian documentary sources on Iranian-Georgian trade and economic relations: A general survey). Makhlobeli agmosavletis istoriis sakitkhebi II, Tbilisi, 1972, pp. 131-45.
- Katsitadze, D. Iranis istoria, III-XVIII saukuneebi (History of Iran, 3rd-18th centuries). Tbilisi, 2009.
- Khubua, M. Sakartvelos muzeumis sparsuli firmanebs da hokmebi (Farmāns and hokms of the Museum of Georgia). Tbilisi, 1949.
- Kutsia, K. "'Tiyul' i 'bakhreche' po dannym gruzino-persidskikh dvuyazychnykh dokumentov" (Toyul and bakhreche in the data of the Georgian-Persian bilingual documents). Narody Azii i Afriki 2 (1965), pp. 89-92.
- Lang, D. Lives and Legends of the Georgian Saints. London, 1956.
- Mackenzie, D.N. A Concise Pahlavi Dictionary. London, 1971.
- Puturidze, V. Kartul-sparsuli istoriuli sabutebi (Georgian-Persian historical documents). Tbilisi, 1955.
- Puturidze, V. Sparsuli istoriuli sabutebi saqartvelos tcigntsacavebshi (Persian historical documents in the libraries of Georgia), vols. I/1-3. Tbilisi, 1961-65.
- Todua, M.A. & Shams, I.K. Tbilisskaya kollekciya persidskikh firmanov (Tbilisi collection of Persian farmāns), 2 vols. Tbilisi, 1989.
- Tsurtaveli, I. Martvilobai Shushanikisi (Martyrdom of Shushanik), ed. I. Abuladze. Tbilisi, 1938; reprint Tbilisi, 1978.
- Vacheishvili, A. Narkvevebi kartuli samartlis istoriidan (Essays from the history of Georgian law), vol. III. Tbilisi, 1963.



پیوست

فرمان شاه عباس دوم

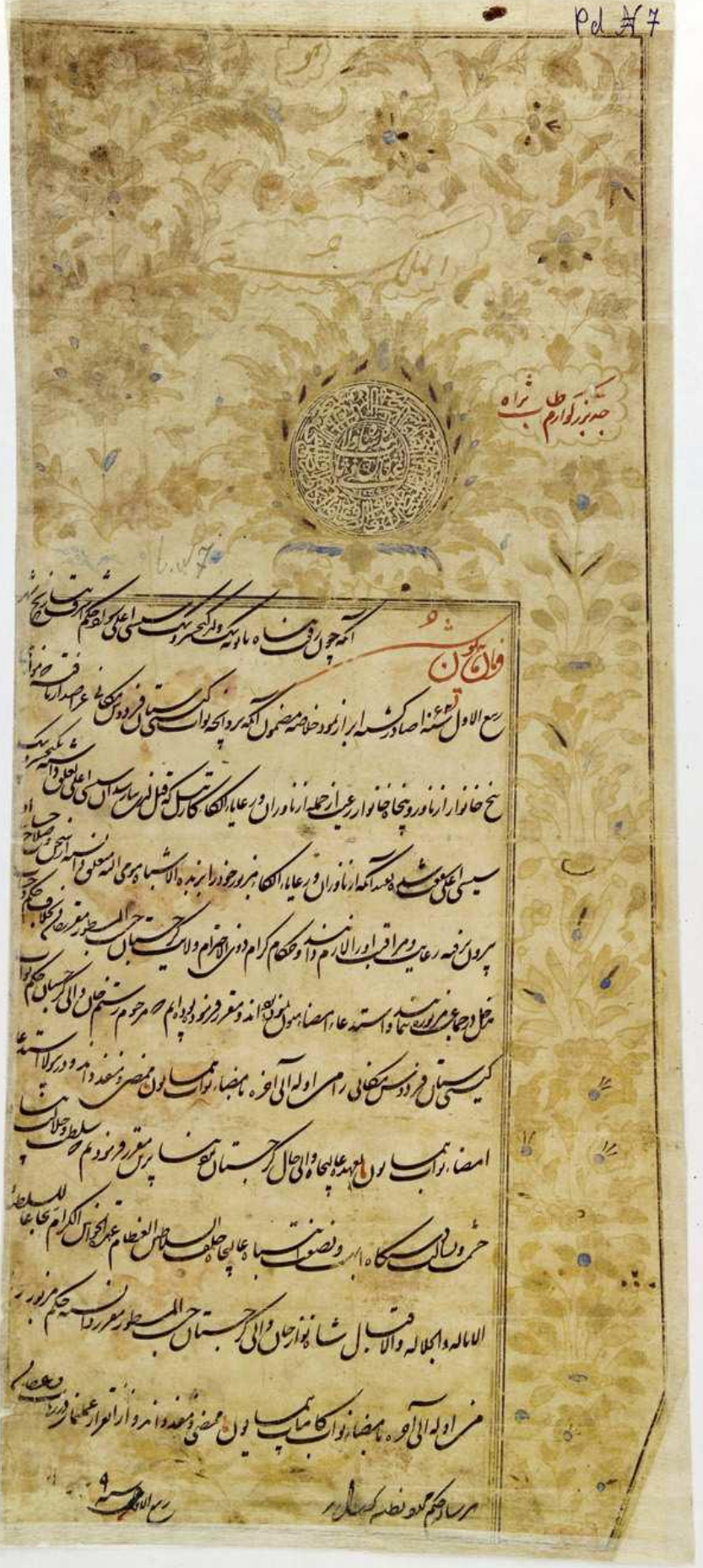
«جد بزرگوارم، خداوند آرامگاهش را روشن و پر نور گرداند.

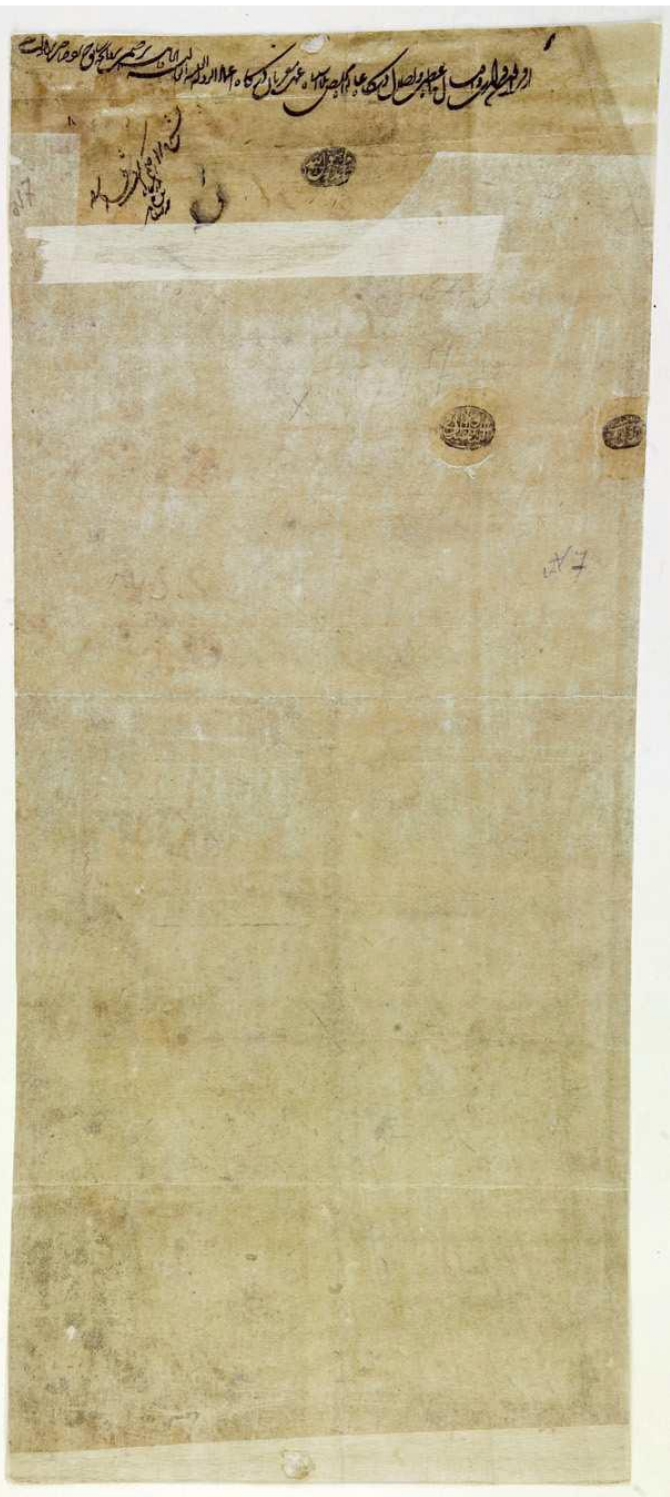
فرمان شاهانه چنین صادر شد که پاپونا بگ، فرزند کیخسرو بگ سیتیشویلی، به عزت و بزرگواری سرافراز گردد. در تاریخ اول ربیع الاول سال ۱۰۶۹ فرمانی با این مضمون نگاشته شد: پنج خانواده از ازناوران (اشراف) و پنج خانواده از رعایا (دهقانان) که در ناحیه‌ی کارتلی می‌زیستند و پیش‌تر در اختیار فارسدان سیتیشویلی بودند، به کیخسرو بگ سیتیشویلی واگذار شوند. ازناوران و رعایا باید از این پس خود را در اختیار او بدانند، از راه و روش درست و نیکوی او پیروی کنند و سرپرستی و حمایت او را بپذیرند. همچنین به مقامات ولایت گرجستان فرمان داده شد که مبدا در این جماعت نامبرده اختلالی ایجاد کنند.

چون درخواست امضای ما شد، ما گواهی دادیم که رستم خان، والی پیشین گرجستان، آگاه باشد که فرمان آن بزرگوار، که اکنون در بهشت آرمیده است، از آغاز تا انجام به دست ما تأیید شده است. و اینک نیز به احترام والی کنونی گرجستان، امضای ما خواسته شد و ما بار دیگر آن را تصدیق کردیم.

از این رو مقرر می‌داریم که نگاهبان پادشاهی و شکوه، سرچشمه‌ی عظمت و دلاوری، بیدار در عدالت و فرزاهانه، وارث تبار پادشاهان پرافتخار، سرور خان‌های نامدار، دلیر در فرمانروایی و نیک‌بخت، یعنی شاه‌نواز، والی گرجستان، این فرمان را بپذیرد، آن را از آغاز تا پایان معتبر بداند و بر پایه‌ی آن رفتار کند؛ و نیز آگاه باشد که نیازی به تجدید فرمان در هر سال نیست. نوشته شد در اول ربیع الاول ۱۰۶۹.

[حاشیه:] اوست خداوند. به یاری قدرت و بخت، با شکوه و بلندمرتبه، یار وفادار درگاه شاهی، بر پایه‌ی نامی اعتمادالدوله و همراه با فرمان پیشین که نزد دارنده‌ی آن است. محمد، فرستاده‌ی خدا.





∴

Source: Helen Giunashvili and Tamar Abuladze, 'Persian Historical Documents of Georgia (Sixteenth to Eighteenth Centuries): Aspects of Linguistic Analysis', *Journal of Persianate Studies* 5 (2012) 35-42.

امرداد ۱۴۰۴



fold-era.com